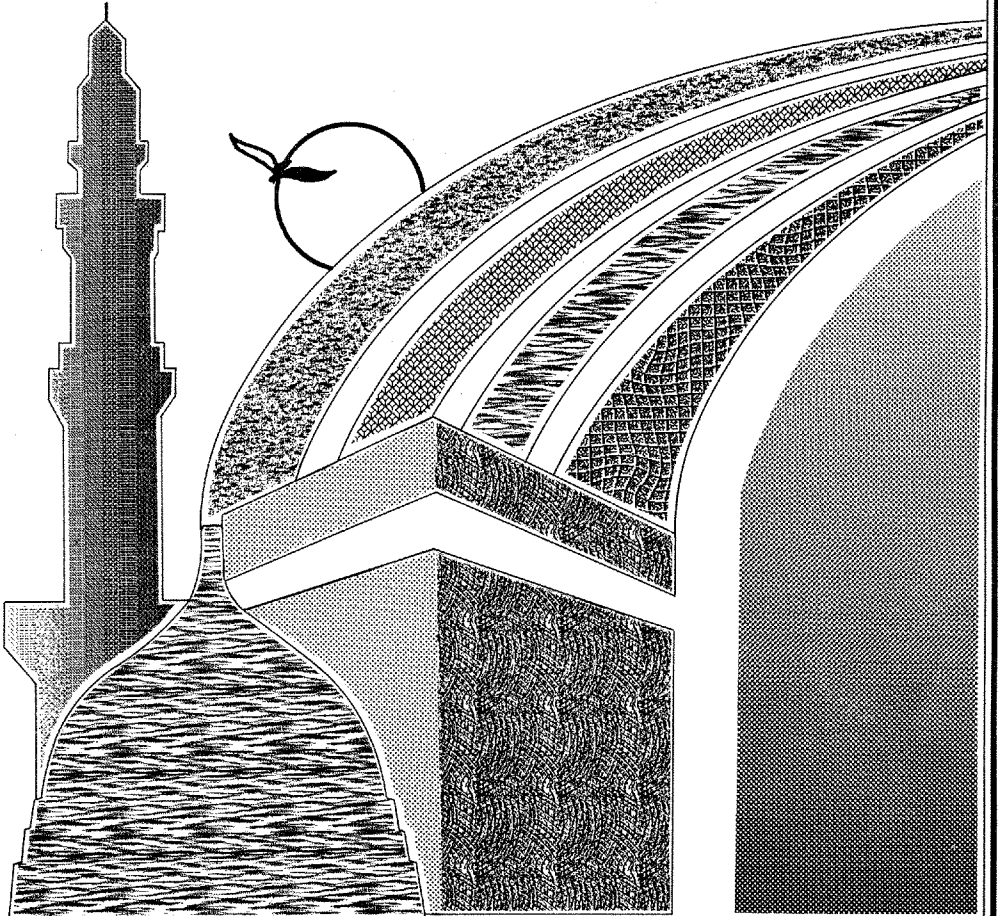
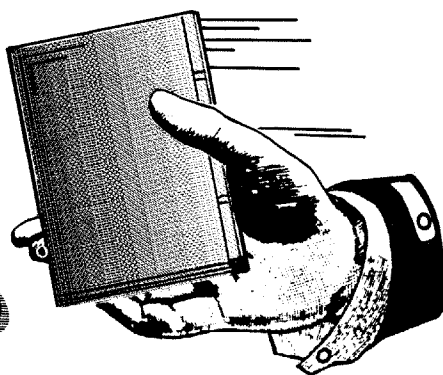


فاطرا



ره آوردی از دیار دوست



محمدعلی مهدوی راد

انشاءالله سال دیگر هم مشرف می‌شوید و... گفتم نه!... آیا این نه از دل بود؟... گفتم کارها بسیار است لازم نیست مکرر به حج برویم، کار آمیخته با یاد خداوند و برای خداوند آیا اجر و پاداشی کمتر دارد؟! آن بزرگوار که خود یک بار مشرف شده بود و گویا تمنای باری دیگر و یا بارهای دیگر - و گویا به ظاهر ناشدنی را بر دل داشت - گفت: می‌دانم اگر امکان داشته باشد باز هم می‌روی، مگر می‌شود دل کند. و اکنون چهارمین بار بود و من از پس سالها باز هم با وی در گفتگو بودم و خدا حافظی... کجا؟!... سکوت... قصد تشرّف داری؟ گفتم: آری!... گفتگوی سالها پیش را فرا یادم آورد و گفت برایت قصه‌ای بگویم. از پیران

اولین بار به سال ۱۳۶۲ توفیق رفیق گشت و من همراه «کاروان عشق» راهی دیار دوست شدم. حال و هوای اولین سفر وصف ناپذیر است. سومین بار این توفیق به سال ۱۳۷۲ رفیق گشت آن سال همراه دوست فاضلم آقای رسول جعفریان تأملها و برداشتهایمان از سفر و حوادث جاری حج‌گزاری و... را در مجموعه‌ای با عنوان «با کاروان عشق» چونان سفرنامه‌ای نگاشتیم و نشر یافت.

پس از بازگشت از اولین سفر، به زادگاهم رفتم و به شکرانه توفیق زیارت «ولیمه‌ای» و دیداری با مردم داشتیم. در روستا کامل مردی نیک گوی گفت:



مکتبخانه‌های کهن شنیده‌ام که:

کششها و جاذبه‌های آن پرواز به فضای
دلپذیر حرمین، مهبط وحی و...

من خود بارها کسانی را دیده‌ام که به
هنگام هفته حج، که به همت کارگزاران آن،
و صدا و سیما برگزار می‌شود، کشور فضایی
آمیخته با یاد دوست دارد و اینان اشک بر
چشم دارند و از فراز آوردن «حسرت نشسته
بر دل» و واگویی شوق دیدار و تمنای
وصال نمی‌توانند تن زنند...

این بنده نیز که «نمی» از «یم» معرفت
را شاید داشته باشم حال و هوایی چنین
دارم. سال ۱۳۷۵ روزهایی پایانی را
می‌گذرانم، ودای کاروان در فراز و چاووش
قافله وصال ندا در داده بود و من دل از جا
کنده، شوق دیدار کرده بودم. نسیم بهاران با
آمیزه‌ای از سوز سرد باقی مانده از زمستان
بر تن می‌نشست و شوق دیدار را تیزتر
می‌کرد... گویا توفیق رفیق شده بود و
لحظه‌های کوچ نزدیک. روزهای آغازین
سال ۱۳۷۶ به کندی می‌گذشت. در قم تنها
بودم و «اهل بیت» در زادگاه. حال و هوای
غریبی داشتم. نمی‌دانم چرا دل آکنده از
دلهره بود. ساعتها مانده به هنگامه کوچ
دست از کار کشیدم؛ یعنی دستم به کار
نمی‌رفت. بار و بُنه را بستم و به انتظار
نشستم، صدایی گرم با لهجه‌ای شیرین از

«یونس علی‌ه السلام» تقاضا کرد او را به بهشت
ببرند، گفتند بدین شرط که چون
بیرون آمدی درخواست بازگشت
نکنی؟! قول داد. اما چون به بهشت
وارد شد دید به راستی نمی‌شود دل
کند، اما کو چاره‌ای؟ باید خارج
می‌شد. کفشایش را وا نهاد، و آنگاه
چون بیرون آمد گفت می‌خواهم
برگردم، گفتند، وعده‌ات را فراموش
کردی، گفت: کفشایم جامانده است
و...

پیام قصه را گرفتم و به راستی در این
قصه‌ها و شاید افسانه‌ها در ذهن و زبان
پیراسته دلان چه نکته‌ها و چه رمزها و
رازهایی که وجود ندارد و چه پیامها و...
این قصه ترجمان واقع‌نمای حال و
هوای کسی است که به «حج» می‌رود و باز
می‌گردد؛ که اگر اندکی از بسیار از فضای
نورانی و ملکوتی آنجا را دریابد حال و
هوای یونس را خواهد داشت و رفتنش به
بهشت و...

راهی دیار دوست به پندارم چون
می‌رود و باز می‌گردد «دل» جای می‌گذارد؛
و هماره و به ویژه در آستانه موسمه‌ها، دل
پرواز دارد؛ پرواز در فراسوی زندگی و



پس گوشی تلفن فراخواند. ساعت دوازده کوچه ۳۵، پلاک ۲۵. دوست فرزانه ام حضرت حاج شیخ حسن ابراهیمی بود که از سر لطف آهنگ رساندن این بنده و برخی از دوستان را تا فرودگاه داشت و خود نیز راهی دیار دوست بود.

به فرودگاه تهران رسیدیم، بار را تحویل دادیم، مراسم آغاز کوچ، نه، عروج، پرواز و... برگزار است، سخنرانی... شعار... هیجان، اشکها بر دیده‌ها، سینه‌ها آکنده از تمنا و... التماس دعا...

هوایما از جاکنده شد، مقصد ما جدّه... مدت پرواز سه ساعت و نیم... و.. برخی از چشمان را خواب ربوده است و عده‌ای روزنامه می‌خوانند، خبرهای داغ، داغ اخبار انتخابات ریاست جمهوری است، من هم خواندم. ...به جدّه رسیدیم، وارد سالن پرواز شدیم، در سنجش با پنج سال پیشتر که توفیق تشرف را داشته‌ام جریان امور منظم‌تر است، تفتیش آغاز شد و نه یک آهنگ؛ برخی در نهایت جستجوگری- و شما بخوان بدبینی و بدنگری و... حتی تخت کفشها را نیز کاویدند و از هیچ نمی‌گذشتند و اگر آثار مکتوب عربی بود به نماینده وزارت اعلام وامی‌نهادند و برخی نه، با رویی خوش جستجویی مختصر و...

مع السلامه.

به همگان جزوهای دادند با این عنوان «دلیل الحاج والمعتمر» تألیف مجموعه من العلماء...

دوست می‌دارم لختی بر محتوای این جزوه درنگ کنم، زبان آن فارسی است، فارسی افغانی و نه دری درست و استوار و اهمّ مطالب آن:

۱- مقدمه‌ای در چرایی نشر این مجموعه و آنگاه سفارشها و نکاتی لازم برای زائران.

در ضمن این سفارشها که شایسته است و سودمند نویسندگان به یاد تعلیمات وهابی مآبانه افتاده نوشته‌اند:

«بوسه گرفتن رکن یمانی مسنون نیست!» <

در پایان براساس «أطیعوا الله وأطیعوا الرسول...» توصیه شده است که امت، کتاب‌الله و سنت پیامبر را «محکم گیرند».

فصل اوّل با عنوان «نواقض اسلام» تبیین و توضیح مسائلی است که به پندار نویسندگان جزوه با اسلام و توحید در تنافی و تناقض است: از جمله ۱- شرک

۲- واسطه قرار دادن میان خود و خدا و حاجت خواستن، و شفاعت جستن... به

اجماع امت کفر است!



در پندار نویسندگان این جزوه «اجماع امت»؛ یعنی جمعی از باورمندان مکتب خلفا که اکنون به خود عنوان «اهل السنّة والجماعه» می‌دهند و عنوان دیگر آنها «وهّابیان» است که گاه هم عنوان «سلفی» را یدک می‌کشند.

۳- هر آن که مشرک را کافر نداند ۴- هر آن که معتقد باشد که دستور و فرمانی دیگر از دستور و فرمان پیامبر بهتر و کاملتر است ۵- نقص دستورات پیامبر ۶- استهزاء احکام و آورده‌های رسول الله ۷- سحر ۸- تأیید و دوستی مشرکان! و...

سالن انتظار را به سوی محلّ استقرار ترک کردیم، کسانی با چهره‌هایی نیمه سوخته پیش آمدند؛ چهره‌هایی خندان و بیانی گرم و شیرین، سلامی و پیامی... شیعه بودند و پاکستانی، عجب دلها به هم نزدیک است، الله اکبر! «متّحد جانهای شیران خداست».

مبلغان دیدگاه‌های «اهل السنّة والجماعه» گویا بر این پندارند که باید در همین آغازین گامها راهیان مکه و مدینه را با باورها و پندارها درآمیزند و با آن اندیشه آنان را بدان سوی گسیل دارند، از این روی جای در جای کتابهای تبلیغی و آموزشی از جمله:

۱- عقیده اهل السنّة والجماعه،^۱ محمد بن صالح العثیمین، ۲- التحقیق والإیضاح لکثیر من مسائل الحج والعمرة والزیارة علی ضوء الكتاب والسنّة، عبدالعزیز بن عبدالله ابن باز، ۳- من أحكام الصلاة، محمد بن صالح العثیمین، ۴- کتاب التوحید، صالح بن فوزان، ۵- ترجمه فارسی «کتاب التوحید»، محمد بن الوهاب.

کاروان ما از آغازین کاروانهایی است که به جدّه می‌رسد، از این روی فرودگاه ازدحام و شلوغی چشمگیری ندارد... اندکی استراحت و سپس روی به سوی مدینة الرسول ﷺ سرزمین وحی، مهبط پیک رسالت و.. اتوبان «طریق الهجره» را در دل شب پیمودیم؛ با شوق و بی‌قراری در آستانهٔ مدینه قرار گرفتیم، در میان برق چراغهای بسیار، گنبد زیبا، چشم‌نواز و سبز مضجع مطهر رسول الله ﷺ پیداست، یکی از همراهان با آهنگی آرام آغاز کرد: «السلام علیک یا رسول الله...» و آنگاه صدا را فراز آورد، همه خواندیم. اشکها بر چشمها نشست، شگفتا از این همه دلربایی، کشش، زیبایی و...

مدینه؛ خیابانها، کویها و برزنها و کوچه‌هایش آکنده است از زائران و دلباختگان پیامبر خدا، و سحرگهان چه



اندازه زیبا و بشکوه!

در خلوت سحرگاهان عاشقان آرام و بشکوه بستر را وا می‌نهند و به عشق خداوند و یاد رسول الله ﷺ وضو می‌گیرند، کجا؟! مسجدالنبی! اکنون به خیابانها بنگر...
الله اکبر!

شب است و جهان آرام و غنوده در خوابی سنگین، با اذان اول گویا مدینه به لرزه می‌آید و راههای منتهی به مسجد چونان جویبارهایی است با ترمی دلپذیر که می‌روند تا به دریای جوشان جمعیت نشسته بر مسجد پیوندند. اذان دوم، حرکتها را تندتر می‌کند و چون اقامه نماز فراز می‌آید راستی را چونان رگباری است که حرکتها را بسی تندتر می‌کند و جمعیت شتابی شگرف به خود می‌گیرد و جوشان و خروشان می‌رود تا لحظه‌هایی دیگر همدوش با برادرانش یک‌سر جان و تن را در آبشار زلال عبادت رها کند و بشوید.

نماز پایان می‌یابد صف بهم می‌ریزد. بسیاری روی به بقیع دارند، آرام، آرام گام برمی‌دارند؛ با چشمهایی دوخته شده به دور دست و زمزمه‌هایی زیرلب، زمزمه‌ها در آستانه بقیع می‌شکند و می‌ترکد و راه اشک را باز می‌کند و گاه تبدیل به فریاد می‌شود، فریاد شکسته در گلو، شگفتا از این همه

عشق و شور آفرینی آن، و من بر بال خاطره به سال ۱۳۶۲ برمی‌گردم، سالی در مدینه با کوچه‌های باریک در کنار مسجد، کوچه بنی‌هاشم و...

آن روز من در آن کوچه و از در و دیوار آن خانه‌ها شکوه شگرف عظمت‌های والای آل‌الله ﷺ را می‌دیدم، از یک سو و مظلومیت و غم‌زدگی آن عزیزان را از سوی دیگر و مدینه را که با سرافرازی بر معبر تاریخ ایستاده بود با پشته، پشته یاد و خاطره و می‌شنیدم که صاحب‌دلی آرام، آرام در آن کوچه‌ها گام برمی‌داشت و من نیز، و می‌خواند:

مدینه سرفراز و سربلند است

مدینه داغدار و دردمند است
ز دیوار و زمین و کوچه‌هایش
صدای ناله زهرا بلند است
و می‌خواندم و... اما امروز دیگر نه آن کوچه‌هاست و نه آن آثار، نه خانه ابویوب انصاری و نه کوچه بنی‌هاشم و نه...

بیشتر آوردم که تأملها، برداشتها و نکات گفتنی و یادکردنی از سفر حج سال ۱۳۷۲ را در مجموعه‌ای با عنوان «با کاروان عشق» عرضه کردیم اکنون بر سر آتم که برخی از آگاهی‌های لازم را که در این سفر برگرفته‌ام و بیشتر جهت علمی، پژوهشی و فرهنگی



دارد در ضمن مقالاتی در این گرامی نامه عرضه کنم.

این گزارش‌ها را از دیداری که همراه استادانی ارجمند از دانشگاه مدینه داشته‌ام آغاز می‌کنم.

دانشگاه مدینه:

دانشگاه مدینه یکی از دانشگاه‌های بزرگ عربستان است. این دانشگاه به سال ۱۳۸۱ هجری قمری بنیاد نهاده شده است؛ که دارای پنج دانشکده است:

۱- کلیه الشریعه؛ اولین دانشکده این مجموعه است که با آن دانشگاه تأسیس شده است.

۲- کلیه الدعوة وأصول الدین؛ که به سال ۱۳۸۶ تأسیس شده است.

۳- کلیه القرآن الکریم والدراسات الإسلامیه؛ که به سال ۱۳۹۶ بنیاد نهاده شده است.

۴- کلیه الحدیث الشریف والدراسات الإسلامیه؛ در سال ۱۳۹۵ تأسیس شده است.

۵- کلیه اللغة العربیه؛ به سال ۱۳۹۵ بنا گردیده است.

مجموع فارغ التحصیلان دانشگاه مدینه تا سال ۱۴۱۵، ۱۰۴۴۶ نفر بوده

است.

از ۹۸ کشور ۲۷۵ دانشجوی دکتری، ۴۵۴ کارشناسی ارشد، ۹۷۱۷ دانشجوی لیسانس.

در کنار دانشکده‌ها، مرکزی است برای پژوهش و بررسی حدیث و سیره با عنوان «مرکز خدمة السنة والسيرة النبویة» و افزون بر کتابخانه‌های دانشکده‌ها کتابخانه بزرگ مرکزی دانشگاه مدینه و چاپخانه دانشگاه.

براساس اظهار نظر آقای دکتر عبدالله زهرانی (معاون دانشکده قرآن)، ۸۵ درصد دانشجویان این دانشگاه را غیر سعودیها تشکیل می‌دهند، آموزش آنان یکسر رایگان است و در مراحل سه‌گانه (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) تحصیل می‌کنند.

دانشجوی غیرسعودی سالی ۱۵۰۰ ریال برای لباس، و دو هزار ریال برای مسکن دریافت می‌کند، مخارج آمدورفت دانشجو به عهده دانشگاه است و تمام کتابهای درسی مورد نیازش نیز مجانی تهیه می‌شود. دانشجو هر سال یکبار می‌تواند با کمک دانشگاه به کشورش بازگردد و پس از فارغ التحصیل شدن نیز هزار ریال به او پرداخت می‌شود.^۲

دیدار از دانشگاه مدینه

روز ۱۳ فروردین ۷۶ به همراه حضرات آقایان دکتر بی‌آزار شیرازی، دکتر محقق، دکتر حسینی، حجت‌الاسلام قاضی‌عسکر به «کلیة القرآن الکریم» در دانشگاه مدینه رفتیم. پیشتر آقای بی‌آزار رفته بودند و این بواقع دوّمین ملاقات بود. آقای دکتر عبدالله زهرانی معاون دانشکده از ما با چهره‌ای باز و برخوردی برادرانه استقبال کرد و آقای ابوعبدالرحمن صالح کاتب استاد تفسیر دانشکده را نیز به جمع ما دعوت کرد. دوستان ملاقات را جهت آشنایی بیشتر و آگاهی از چگونگی تحصیل دانشجویان و برنامه‌های درسی آنان و تعاون در مسیر هر چه بیشتر آگاه شدن از مواضع و اندیشه‌های یکدیگر معرفی کردند. ما یک دوره تفسیر مجمع‌البیان و یک دوره مجلّه «میقات الحج» اهدا کردیم که مورد استقبال واقع شد. آقای قاضی‌عسکر گفتند این تفسیر را برای آن تقدیم می‌کنیم که شما در آن بنگرید و با آراء و اندیشه‌های تفسیری ما از نزدیک آشنا شوید. از آقای عبدالرحمن صالح کاتب پرسیدم: آیا با این تفسیر به تفصیل آشنا هستید، گفتند، نه، در حدّ اندکی تا آن اندازه که در شناخت مناہج مفسران سودمند افتد. توضیح دادم که مجمع‌البیان

نه تنها در میان تفاسیر شیعه بلکه در میان تفاسیر فرهنگ اسلامی از جایگاه والایی برخوردار است. این تفسیر بگونه‌ای بر تفسیر «التبیان» شیخ طوسی مستند است و التبیان از جامع البیان طبری تا حدودی بهره گرفته است و آشنایی با این تفسیرها برای یافتن سیر تحوّل تفسیر بسی سودمند است و بدون آن فهم این جریان سترون خواهد بود، او از تفاسیر دیگر شیعه پرسید، پاسخ دادم و تفسیر المیزان را معرفی کردم. که آن را نمی‌شناخت. او تفسیر «تبیان» را شنیده ولی ندیده بود! آقای محقق از چگونگی تحوّل در موضوع دانشها و نیز شیوه‌های بهره‌گیری از مباحث نو پرسید، و به مثل گفتند اکنون یکی از مسائل مهم در تفسیر متون مقدس بهره‌گیری از مسائل زبان شناسی است. آیا شما به این مسائل توجه دارید؟! روشن بود که توجه نداشتند و اصولاً موضوع را با همه توضیحات درنیافتند. این ملاقات نشان داد که تلاشهای آموزشی و پژوهشی به شدت در چهارچوبهای کهن است و تحوّل بلحاظ نگاه به مسائل ندارد. آقای بی‌آزار از زاویه‌ای دیگر از بحث شناخت واژه‌های قرآن را در قالب معنا شناختی مطرح کردند؛ به گونه‌ای که آقای ایزوتسو ژاپنی مطرح



کرده است، که البته برای آنان ناآشنا بود و این نگرش مورد توجه قرار گرفت. از چگونگی دروس سؤال کردیم، معلوم شد که دانشکده قرآن دو رشته دارد: ۱- قرائت ۲- تفسیر.

در قرائت، چگونگی قرائت تاریخ قرائت نص و متن قرآن کریم، قرائت‌های مختلف و... تدریس می‌شود.

و در تفسیر، تفسیر، تاریخ تفسیر، مناهج مفسران، علوم قرآن و تفسیر موضوعی و...

ما تأکید کردیم که آماده‌ایم از تجربه‌های آنان استفاده کنیم و دیدارها را در آینده ادامه دهیم و بدین سان در جهت آشنایی یکدیگر گام‌های مؤثری برداریم. آقای زهرانی خوشنودی خویش را اظهار کرد و متقابلاً یکدوره «فتح الباری فی شرح البخاری» را با چایی تحقیقی و منقح اهدا کردند و با نهایت مهربانی و مودت هیأت را بدرقه کردند.

دیدار دوم:

روز چهاردهم فروردین برای دیدار از دانشکده حدیث و دیگر دانشکده‌های دانشگاه به ویژه «مرکز خدمة السنّة...» راهی دانشگاه مدینه شدیم، با روابط

عمومی دانشگاه تماس گرفتیم که دیدار را برای روز دیگر وانهادند. گفتم دانشگاه افزون بر کتابخانه‌های تخصصی در دانشکده‌ها کتابخانه مرکزی مهمی در دل دانشگاه دارد که بر اساس یکی از گزارشها کتابهای آن در سال ۱۳۹۹ افزون بر شصت هزار بوده است. به این کتابخانه رفتیم، کتابخانه‌ای بود بزرگ و دارای دو ساختمان مستقل ۱- امور اداری ۲- قرائتخانه.

در بخش امور اداری، ریاست، معاونت، امور نسخه‌های خطی، مبادله کتب و... مستقر بودند. قرائتخانه افزون بر مدیریت، فهرستنگاری، سالن بسیار بزرگی بود، که کتابها در قفسه‌ها بر اساس موضوع‌بندی سنتی، تنظیم شده بود. به مثل: تفسیر، علوم قرآن، حدیث و علوم آن مذاهب و فرق، کلام و عقاید، فقه، جالب است که هر چه در میان قفسه‌ها کاویدم یک کتاب فلسفی و یا عرفانی و یا کلام فقه شیعی نیافتم، تمام این کتابخانه بزرگ به صورت «قفسه باز» اداره می‌شود، در یک اتاق کوچک و جدای از مجموعه عنوان «اللغات الأجنبيّة» رفته بر روی هم شاید حدود دو هزار جلد کتاب به زبانهای مختلف در آنجا نگهداری می‌شد که حدود پنجاه جلد کتاب فارسی نیز داشت از جمله

«برهان قاطع» که بر عطف تجلید شده آن نوشته شده: «قاطع برهان»!

با معاون کتابخانه به تفصیل سخن گفتیم. از نسخه‌های خطی پرسیدم، گفت: افزون بر دو هزار است، اما میکروفیلم‌های کتابخانه بیش از ۲۰ هزار است، که همه فهرست شده است و فهرست‌ها نسخه‌های خطی کتابخانه نیز در میان آنهاست چون آنها را نیز میکروفیلم کرده‌ایم. بخش میکروفیلم‌ها با عنوان «مکتبه المصوّرات الفیلمیّه فی قسم المخطوطات» بخش مهمی است. کتابهای این بخش براساس موضوع فهرست شده است. بدین سان:

۱- فهرس کتب التاریخ والرحلات والبلدان.

۲- فهرس کتب القواعد الفقهیّه وأصول الفقه.

۳- فهرس کتب التراجم.

۴- فهرس کتب علوم القرآن.

۵- فهرس کتب القراءات القرآنیّه.

۶- فهرس کتب الأجازات والمشیخات ورجال الحدیث ومصطلح الحدیث وعلومه.

۷- فهرس کتب الحدیث (الکتب المفرده فی ابواب مخصوصه)

۸- فهرس کتب الحدیث. (التخریج والنقد)

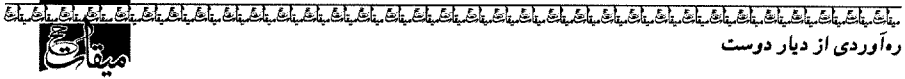
دانشگاه مدینه برای دست یافتن به این مجموعه، گروهی از استادان را به کشورهای اسلامی گسیل داشته تا کتابخانه‌های عمومی و خصوصی را بکاوند و آنچه از مخطوطات را کمیاب می‌دانند میکروفیلم گرفته به دانشگاه مدینه انتقال دهند. پس از آن که کتب قابل توجهی گرد آمده دانشگاه افزون بر فهرست عمومی و شامل آن (که در دانشگاه موجود است) به نگارش فهرست موضوعی آنها همت گماشته است. در این فهرست مؤلفان با مراجعه به کتابهای مختلف از رجال، کتابشناسی و... کوشیده‌اند آگاهیهای لازم را در اختیار خواننده قرار دهند. اطلاعات عرضه شده در این فهرست‌ها بدینگونه است: مؤلف، تاریخ استنساخ صفحات کتاب، عدد سطرها، نوع خط، شماره کتاب در مجموعه میکروفیلم‌ها، منبع آگاهیها درباره کتاب، کتابخانه‌ای که اصل نسخه در آنجاست، و نکاتی درباره کتاب؛ مانند: ابتدا و انتهای کتاب، همراه بودن نسخه با حواشی، تعلیقات و...

در توفیقی شتابان، برخی از نسخه‌ها نظرم را جلب کرد، یادداشت کردم (البته مجموعه فهرست‌ها را خریدیم برای کتابخانه دارالحدیث و کتابخانه تخصصی معاونت



- آموزش و تحقیقات حج). ۷-العنوان فی القراءت السبع، أبوطاهر
 ۱- اسرار التنزیل وغزة التأویل، راغب
 اصفهانی، موزه بریتانیا.
 این کتاب که گاه در فهرستها و منابع
 شرح حالنگاری با عنوان «دره التنزیل و
 غزة التأویل» یاد شده است، به محمد بن
 عبدالله، معروف به خطیب اسکافی نسبت
 داده شده است و دیگر گاه به فخرالدین
 رازی، در مقامی دیگر گفته‌ایم که قطعاً
 کتاب از راغب اصفهانی است^۳ و در این
 نسخه بدون هیچ تردیدی به راغب نسبت
 داده شده است.
- ۲- تقریب المأمول فی ترتیب النزول
 (منظومه) جعبری، قاهره، المكتبه الأزهریه.
 ۳- ردّ معانی الآیات المتشابهات الی
 معانی الآیات المحکمات.
 شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد
 ابن اللبان، دار الکتب المصریه، ۷۴۹.
 ۴- زبدة البیان فی براهین احکام
 القرآن، احمد بن محمد بن اردبیلی (محقق
 اردبیلی)، دار الکتب الطاهریه.
 ۵- غرر التبیان، ابن جماعه، دانشگاه
 مدینه-مدینه، المكتبه المحمودیه، اسپانیا،
 مادرید، اسکوریال.
 ۶- اللغات فی القرآن، ابن حسنون،
 ابواحمد عبدالله بن الحسین المصری.
- ۸- عین الإصابه فیما استدرکه عائشه
 علی الصحابه، السیوطی، دارالکتب
 المصریه.
 ۹- الفتح السماوی بتخریج أحادیث
 الکامن، البیضاوی، زین الدین محمد بن
 عبدالرؤف بن تاج العارفین، ۱۰۳۱.
 ۱۰- طبقات القراء وأسانیدهم، حمد بن
 أحمد بن محمد صوفی، حیدر آباد المكتبه
 الأصفیه، ۹۵۰.
 ۱۱- طبقات فقهاء الیمن، ابوالخطاب
 عمر بن علی بن سمره (ج ۱/۵۸۷).
 ۱۲- الإنصاف فی التنبیه علی الأسباب
 التي أوجبت الخلاف، ابومحمد عبدالله بن
 محمد بن السید الأندلس البطلیوسی،
 تونس، دار الکتب الوطنیه.
 ۱۳- الذبّ عن مذهب مالک بن انس فی
 غیرشئیء من أصوله وبعض مسائله وفروعه،
 ابومحمد عبدالله بن أبی زید عبدالرحمن
 النیروانی (۳۸۶).
 ۱۴- ذمّ الرأی وبیان تبری الأئمه
 المجتهدین منه، ابوالمواهب عبدالوهاب بن
 احمد بن علی، ۹۷۳.
 ۱۵- تفصیل الاجمال فی تعارض

۲۰۷. السهمی الأسلمی،
- ۲۳- القصد والأمم فی التعریف بأنسب العرب والعجم، ابن عبدالله القرطبی، أبو عمر یوسف بن عمر النمری، ۴۶۳.
- ۲۴- طریق حدیث من کذب علی متممداً...، ابوالقاسم سلیمان بن أحمد بن ایوب، ۳۶۰، دار الکتب الظاهریه.
- ۲۵- تقویم اصول الفقه و تحدید أدلة الشرع، ابوزید عبیدالله بن عمر بن عیسی الحنفی الدبوسی، ۴۳۰، دارالکتب المصریه.
- ۲۶- معجم مشایخ الزبیدی، مکتبه عارف حکمت.
- ۲۷- ثبت الکتب التي قرأها السخاوی والبقاعی علی ابن حجر، السخاوی، استانبول، مکتبه کرپرلی.
- ۲۸- المنجم فی المعجم، السیوطی، فهرست نام کسانی است که سیوطی از آنها حدیث شنیده و یا بدانها اجازه داده است.
- ۲۹- الأغتباط بمن رمی بالاختلاط، برهان‌الدین أبوالوفاء ابراهیم بن محمد بن خلیل الحلبي.
- دیدار از «مرکز خدمه المجتمع»
گفتم دانشگاه مدینه چاپخانه‌ای دارد و انتشاراتی، و می‌دانستم که دانشگاه مدینه کتابهایی را چاپ کرده است. از معاون
- الأقوال والأحوال، صلاح‌الدین العالی، ابوسعید خلیل بن کیکلدی، ۷۶۱، دار الکتب المصریه
- ۱۶- تاریخ الرقه ومن نزلها من أصحاب رسول الله ﷺ والتابعین، حرانی، ابوعلی بن سعید بن عبدالرحمن القشبری، ۳۳۴
- ۱۷- التبیین لأسماء المدلسین، سبط ابن العجمی، برهان‌الدین أبوالوفاء ابراهیم ابن الطاهریه بن محمد بن خلیل الحلبي، ۸۴۱
- تذکره الطالب المعلم بمن یقال أنه مخضرم. الظاهریه.
- ۱۸- تسمیه فقهاء الأمصار، نسائی، ...، استانبول، مکتبه احمدالثالث.
- ۱۹- تسمیه من روی عنه أولاد العشره و غیرهم من أصحاب النبی ﷺ، ابن المدینی، أبوالحسن علی بن عبدالله البصری، ۲۳۴، الظاهریه، دمشق.
- ۲۰- تحقیق نصره بتلخیص معالم دارالهجره، زین‌الدین أبوبکر بن الحسین ابن عمر عثمانی، ۸۱۶.
- ۲۱- عقد الجمان فی تاریخ أهل الزمان، البدر العینی بدرالدین محمد بن أحمد الحلبي/ ۸۵۵.
- ۲۲- فتوح الإسلام لبلاد العجم وخراسان، ابوعبدالله محمد بن عمر



دانشگاه پرسیدم: آثار نشر یافته در دانشگاه را از کجا می‌توانم تهیه کنم؟ او «مرکز خدمه المجتمع» را نشانم داد که ظاهراً مقصودم را درنیافته بود، آنجا که رفتیم، دریافتیم مرکزی است برای خدمات اجتماعی مرتبط با دانشجویان و از جمله بخشی داشت برای اهدای کتاب. مسؤول آن بخش با برخورد شایسته از ما استقبال کرد و چون از عناوین ما سؤال کرد و دانست که با دانشگاه‌های ایران مرتبط هستیم خرسند شد و چون یکی از دوستان خود را از قم معرفی کرد، گفت از قم فقط یک مثل تاریخی می‌دانم: «أيتها القاضي بقم قد عزلناك فقم»؛ آنگاه کتابهایی را به ما اهدا کرد. این کتابها را اندکی به شرح معرفی می‌کنم که خود نشانگر نوعی گرایشهای تبلیغی حضرات نیز تواند بود.

۱- اصول العقيدة الإسلامية، التي قررها الإمام ابو جعفر احمد بن سلامة الأزدي الطحاوي. گزینشی است از «العقيدة الطحاوية» با شرح و تبیین. این کتاب عملاً نشانگر اصول فکری «اهل سنت و جماعت» است؛ شرحی است با تکیه به آیات و روایات به خامه یکی از استادان دانشگاه سعودی.

۲- حقيقة الخلاف بين علماء الشيعة

و جمهور علماء المسلمين؛ اعداد سعید اسماعیل.

این کتاب کوشیده است تا نشان دهد ریشه اختلاف در این است که دیدگاههای شیعیان در قرآن، سنت و حدیث ارکان اسلام، صحابه و... انحرافی است!! شگفتا او در ارائه این مطالب جز این که بافته‌های ابن تیمیه را معیار سنجش قرار دهد و از سوی دیگر بر روایات ضعاف و بُلّ مجعول تکیه کند، کاری نکرده است. مسأله تقیّه، نکاح، متعه، تحریف قرآن و... حربه‌های زنگ زده‌ای است که در این کتاب نیز به کار گرفته شده است.

۳- هل المسلم ملزم باتباع مذهب معین من المذاهب الأربعة؛ محمد سلطان المعصومی الخجندی مکی؛ این کتاب حدود بیست سال پیش چاپ شده است و کوشیده است تا چنان بنمایاند که تمذهب به مذهبی الزامی نیست و آنچه الزامی است پیروی از سنت رسول الله ﷺ که آنهم در حنبلی‌گری و سلفی مآبی! خلاصه می‌شود.

۴- عبقریه عمر، عباس محمود العقّاد؛ نگاهی است تحلیلی به زندگانی عمر بن خطّاب و با سمت و سویی طرفدارانه با عناوینی مانند: مفتاح شخصیتّه، اسلامه، عمر والدولة الاسلامیه، عمر والحکومه،

عمر والنبی، عمر والصحابه و...

۵- مفتاح الجنه فی الإحتجاج بالسنة؛
جلال الدین السیوطی.

این کتاب نگاشته‌ای است سودمند. اما سیوطی چون خواسته است لزوم بحث از سنت و حجیت آن سخن بگوید، باور به عدم حجیت را به غلات روافض نسبت می‌دهد و سخن یاوه‌ای را عرضه می‌کند که آنان معتقدند، نبوت باید به علی می‌رسید! اما متن کتاب خواندنی و سودمند است.

۶- اختیارات شیخ الاسلام ابن تیمیه النمیری، ابن قیم جوزی.

ابن قیم می‌گوید، ابن تیمیه عقایدی داشته است که برخی پنداشته‌اند ویژه او است و از این روی به آن هجوم برده و انتقاد کرده‌اند، او در این نوشته این مسائل را در چهاربخش گزارش کرده و در مقدمه‌ای کوتاه گفته است که چنین نیست، کتاب به لحاظ آگاهی از باورهای ابن تیمیه و پیشینه آن باورها سودمند است.

۷- ابوالحسن الأشعری وعقیدته؛ حماد ابن محمد الانصاری.

نگاهی است گذرا و کوتاه به زندگی ابوالحسن اشعری و آراء و اندیشه و آثار و نگاشته‌های او.

مؤلف می‌کوشد که اشعری را نیز از

«اهل السنة والجماعة» نشان دهد و بگوید که اشعریان متأخر، اندیشه‌های او را دریافته و بدو آرای نسبت داده‌اند که وی با آنها بیگانه است. مؤلف چگونگی زندگانی ابوالحسن و بازگشت وی از اعتزال و اصول عقاید او را به اجمال آورده است.

۸- کتاب التوحید؛ ابوعبدالله محمد بن اسحاق بن محمد بن یحیی ابن منده، ج ۳. از انتشارات دانشگاه مدینه و از «مرکز شؤون الدعوه» که با تصحیح و تعلیق علی ابن محمد بن ناصر فقیهی از استادان آن دانشگاه نشر یافته است. این جلد ویژه «صفات» است و روایاتی است که چگونگی صفات الهی را گزارش می‌کند. در روایات تأکید بر عدم تفحص از چگونگی صفات شده است و در برخی گزارش صفات عرش و... دقت در برخی از این روایات که نتیجه‌ای جز «تجسیم» ندارد، تأثیر تفکر دخیل و اثر اسرائیلیات را کاملاً نشان می‌دهد.

۹- تحفة الإخوان بأجوبة مهمّة متعلّق بأركان الإسلام؛ شیخ عبدالعزیز بن عبدالله ابن باز.

مجموعه‌ایست از پرسشها و پاسخها درباره عقاید، نماز، زکات، روزه و حج. و نشانگر فتاوی امروزین مفتیان سعودی در

دیداری از مکتبه الحرم النبوی

به روزهایی که در مدینه بودم و در کنار مضجع مطهر رسول الله ﷺ از فضای نورانی و عطرآگین آن بهره می‌گرفتم، گاه و در مناسبت‌های مختلف به کتابخانه حرم سری می‌زدم و مطالعه می‌کردم، در این آمد و شد‌ها بهره‌هایی گرفتم و با کتابهایی آشنا شدم، نگاهی‌هایی کار آمد را - حال به هر جهت - واری کردم که در این نگاه ضمن شناسایی و شناساندن کتابخانه، از آنها سخن می‌گویم.

کتابخانه با عنوان «مکتبه الحرم النبوی» به سال ۱۳۵۲، به پیشنهاد عمید مدنی تشکیل یافته و اولین مدیر آن احمد یاسین خیاری بوده که کتابخانه‌های مدینه را در آن گرد آورده است. ابتدا کتابخانه در طبقه دوم حرم، کنار «باب‌المجید» بوده است که به سال ۱۳۹۹ به مقرّ فعلی آن کنار «باب عمر بن الخطاب» و «باب عثمان بن عفّان» انتقال یافته است.

کتابخانه در دو ساختمان قرار دارد و

دارای چهار سالن است:

- ۱- العلوم الانسانیه.
- ۲- الفقه والحقوق والسيره.
- ۳- القرآن والحديث وعلومهما.
- ۴- قسم المخطوطات.

این زمینه‌ها و طبق معمول در بخش اول سؤالها از زیارت قبور است و نذر است و توسل و شفاعت و... و جوابها روشن...

۱۰- الشیعة والسنة؛ احسان الهی ظهیر. این کتاب یکی از تعصب‌آمیزترین، زشت‌ترین و آلوده‌ترین آثار نگاشته شده علیه شیعه است و مهمترین بخشهای آن، یاهوهای معروف: سب صحابه و تکفیر صحابه، تحریف قرآن شیعه و تقیّه که آن را «الشیعة والکذب!» عنوان داده است.

۱۱- حقوق الإنسان وحریات الأساسیة فی النظام الإسلامی والنظم المعاصره؛ ۷۶۴ صفحه.

مؤلف در این کتاب کوشیده است حقوق و آزادیهای انسانی در نظام زندگی را از نگاه اسلام بررسی کند و نتایج بحث را با اندیشه‌های مکاتب دیگر برسنجد. آزادیهای عمومی مانند آزادی مسکن، مال، عمل و... آزادیهای معنوی: عقیده، اندیشه، آموزش، آزادی سیاسی و... از جمله بحثهای این کتاب است.

روزهای بعد تصمیم گرفتیم دانشکده حدیث و مخصوصاً «مرکز خدمة السنة والسيره النبویة» را بازدید کنیم که اطلاعات دانشگاه با بهانه‌های واهی مانع شد!

بحث و تأمل دارد. اما نقلهای تفسیری وی در آثار مفسران کهن پراکنده است و جمع و تدوین آن به واقع سامان بخشی به بخش عظیمی از میراث قرآنی است.

این کتاب بر اساس نقلهای مستند و مسند تفسیری ابن عباس در منابع تفسیر و حدیثی گرد آمده است. مؤلف روایات مختلف را با هم سنجیده و چگونگی آنها را به لحاظ دانش «مصطلحات الحدیث» با عنوان «بیان الاستاد» روشن کرده است.

کار حمیدی، کار آمد است و سودمند. این مجموعه را بر روی هم می توان بهترین مجموعه تفسیر ابن عباس دانست. ۲- تفسیر الحسن البصری، الجامعة العربیة أحسن العلوم کراتش، گلشن اقبال ۲، کراتشی پاکستان، ۱۴۱۳.

حسن بصری از مفسران دوره تابعی است. از فقیهان و محدثان نیز به شمار است. آثار تفسیری او را بسیاری از مفسران کهن نقل کرده اند، پراکنده های اقوال تفسیر وی را کسانی از جمله دکتر محمد عبدالرحیم جمع کرده اند. با این عنوان:

«تفسیر الحسن البصری، جمع و توثیق و دراسته، محمد عبدالرحیم، دار الحدیث، قاهره».

اما این جمع که به همت دو تن از

کامل مردی به نام سعید الجهنی روز اول این بنده را راهنمایی کرد، دقیقاً ندانستم مدیر کتابخانه است و یا از کارمندان آنجا. اما مردی مطلع، آگاه به تاریخ و بسیار خوش برخورد بود.

در سالن «العلوم الانسانیة» ادبیات، تاریخ، رجال، معجمها و... نهاده شده بود. بخشهای چهارگانه کتابخانه در دو ساختمان و چهار سالن قرار گرفته است، بخشهای چاپی به گونه قفسه باز اداره می شود. و بخش نسخه های خطی فهرست راهنمای گویایی دارد که با نگاه به آن می شود نسخه را خواست و به مطالعه گرفت. در بخش «القرآن والحديث وعلومهما»، نیز به تورق و تصحیف کتابها پرداختم، آثار سودمندی در آنجا به مطالعه گرفتیم. برخی از این آثار به نظرم جالب آمد از این رو یادداشت کردم که اینک گزارش می کنم:

۱- تفسیر ابن عباس و مروياته في كتب السنة.

عبدالعزيز بن عبدالله الحمیدی، جامعة ام القری، چاپ ریاض، ۲ج.

ابن عباس از مفسران بزرگ دوره صحابیان و نقش او در تفسیر و تطور آن، بسی مهم است. آثاری در تفسیر و علوم قرآنی بدو نسبت داده شده است که جای



محققان سامان یافته، گسترده‌تر و دقیق‌تر از آن است. این مجموعه مقدمه‌ای دارد با عنوان «مآثر المفسر الأثری، مقدمة تفسیر الحسن البصری» در این مقدمه به تفصیل از حسن بصری، شخصیت وی، اندیشه، فقه و دانش او و جایگاهش در تفسیر سخن رفته است. متن نقلها از کتابهای تفسیری و حدیثی استخراج شده و در پانوشتها با ارجاع به منابع مختلف، نقلهای گوناگون با هم سنجیده شده است.

۳- تفسیر مجاهد، عبدالرحمن الطاهر ابن محمد السوری، مجمع البحوث الاسلامیه، پاکستان.

از تفسیر مجاهد نسخه‌ای موجود است، آقای محمد عبدالسلام ابوالنیل بر اساس آن نسخه تحقیق و تصحیحی ارائه داده است. عنوان آن «تفسیر الامام مجاهد بن جبر» است. آن چاپ گو این که مقدمه و نقد و تحلیل سومندتری دارد، اما این نشر به لحاظ سنجش آن با متون کهن به ویژه طبری و مآلاً توثیق نص کتاب استوارتر و دقیق‌تر است.

۴- تفسیر سفیان بن عیینه، جمع و تحقیق و دراسته: احمد صالح محابری، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۳.

سفیان بن عیینه نیز از مفسران بزرگ و

از فقیهان کوفه است. تفسیر وی نیز در تفاسیر بعدی نقش و تأثیر روشنی داشته است، این مجموعه جمع و تدوین نقلهای پراکنده آن است؛ مقدمه‌ای سودمند و پژوهشی روشنگر درباره سفیان و تفسیر او عرضه کرده است. از سفیان ثوری تفسیری دیگر با عنوان «تفسیر سفیان الثوری» در اختیار داریم، که تنی چند از عالمان، آن را بر اساس نسخه‌ای به روایت شاگرد وی أبوحذیفه موسی بن مسعود هندی بصری، تصحیح و تحقیق کرده و نشر داده‌اند.

۵- تفسیر محمد ابن عرفه تونسلی، که به گونه‌ای حاشیه و تعلیقی است بر تفسیر ابن عطیه (المحرز الوجیز) آقای دکتر حسن مناعی آن را تصحیح کرده و در ضمن تحقیق آن نسخه بدلها را ضبط کرده و برخی از نقلهای آن را مستند ساخته است.

۶- نواسخ القرآن، محمد شرف علی الملبازی، مدینه، دانشگاه مدینه، ۱۴۰۴

۷- فی القرآن والعریبه، (کتاب لغات القرآن، لغات القبائل)، ابی زکریا الفراء (م ۲۰۷)، احمد علم‌الدین الجندی.

این مجموعه به واقع جمع و تدوین باز یافته‌های دو کتاب یاد شده فراء است. مؤلف بحثهای مهمی را درباره فراء و شیوه او در بحث از واژه‌ها و دیدگاه وی در



- حاشیه علی تفسیر الجلالین، محمد ابن عبدالله الزواک (م ۱۳۱۲).

- الاسرائیلیات، وهب من منبه.

این عنوان نظرم را جلب کرد به لحاظ این که به پندار بنده اصطلاح «اسرائیلیات» پیشینه‌ای بیش از قرن پنج ندارد «الغنیه لطالبی الحق» این عنوان را بیشتر در کشف الظنون نیز دیده بودم. و چنان می‌پنداشتم که باید عنوان برساخته‌ای باشد برای یکی از آثار وهب بن منبه. در این کتاب ضمن آن که این عنوان را یاد کرده، از یکی از مؤلفان آورده است که این عنوان باید با «المبدأ والمغازی» وهب بن منبه مرتبط باشد و به پندارم احتمالی است استوار.

۱۰- ریاض الجنه، معجم تاریخی، عبدالحفیظ فارسی.

به گونه‌ی الفبایی رجال و اصطلاحات تاریخی را شرح کرده است. آخرین شرح حالی که در این مجموعه آمده است عالمی است از روزگار سلطان عبدالحمید. بدن سان باید کتاب به لحاظ زمانی تا نیمه اول قرن چهارده رسیده باشد. آثار دیگری نیز در این کتابخانه تویق کردم که برخی از آنها را در مقاله دیگری یاد خواهیم کرد.

واژه‌های معرب، و این که آیا قرآن واژه معرب دارد یا نه سامان داده است. وی دیدگاه مستشرقان را در این باره آورده و نقد کرده است...

۸- کشف الشواهد القرآنیه فی المصادر نحویه، فائزه بنت عمر.

این کتاب از سلسله انتشارات کتابخانه ملی فهد است. نویسنده در این کتاب شواهد قرآن، یعنی مواردی که عالمان در متون ادبی به قرآن استشهاد کرده‌اند را، بر اساس ۱۱۳ متن مهم ادبی و نحوی جمع کرده است.

۹- از جمله کتابهایی که در این بخش به مطالعه گرفتم، کتابی است مهم و سرشار از آگاهیهای کتابشناسانه و رجالی با عنوان «مصادر الفكر الاسلامی فی الیمن»:

برخی از کتابهایی را که در این کتاب از عالمان یمن فهرست شده یاد داشت کردم از جمله:

- مختصر الدر المنثور

- حاشیه علی تفسیر الجلالین، ابراهیم

ابن محمد بن اسماعیل الامیر (م ۱۲۱۳).

- فتح الرحمن فی تفسیر القرآن

بالقرآن/ ۳۱

پانوشتها:

- ۱- دربارهٔ این عنوان و تلاش فرهنگی و پژوهشی سعودیان در استوار سازی پایه‌های آن و کوشش آن در گستراندن پندارهای محتوای آن در مقاله دیگری از این سلسله مقالات سخن خواهیم گفت.
- ۲- المدينة... اليوم (المدينة المنورة في بداية القرن الخامس عشر) محمد صالح الهشي، ۱۰۳-۱۰۴
- ۳- بینات، شماره ۶/۷۲

